

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

ا.م. شیری
۲۵ جون ۲۰۲۴

اوج وقاحت خون آشامی به نام ملا مصطفی پور محمدی



این جانی حرفه‌نی داغ ننگ به پیشانی را تاریخ ایران فراموش نخواهد کرد.

«جرم بی‌جزا، موجب تقویت و تداوم آن می‌شود»

به دنبال درگذشت ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران و هیأت همراه وی، از جمله، حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشور و آیت‌الله آل‌هاشم، امام جمعه تبریز در سانحه سقوط مرموز بالگرد، این امر طبیعی بود که حاکمیت ایران تصمیم گرفت برای تعیین رئیس جمهور جدید، در هشتم تیر ماه انتخابات ریاست جمهوری برگزار نماید.

به روال همه دوره‌ها، تعدادی در حدود هشتاد نفر برای نامزدی ریاست جمهوری در وزارت کشور ثبت‌نام کردند. در پایان مهلت ثبت‌نام، شورای به اصطلاح نگهبان قانون اساسی طبق معمول همیشه بعد از بررسی صلاحیت ثبت‌نام‌کنندگان، صلاحیت شش نفر از آن‌ها را برای احراز پست ریاست جمهوری تأیید کرد: **محمدباقر قالی‌باف، مصطفی پور محمدی، مسعود پزشکیان، سعید جلیلی، علی‌رضا زاکانی و امیر حسین قاضی‌زاده‌هاشمی.**

با شروع دوره رقابت‌های انتخاباتی، هر یک از نامزدها سعی کردند با یادآوری «خدمات» گذشته خود، ایده‌ها، افکار، نقطه‌نظرات و برنامه خود را در صورت نشستن بر صندلی ریاست جمهوری بیان کنند.

تا اینجا ظاهراً هیچ امر غیر عادی به نظر نمی‌رسد. اما پس از این دو نکته کاملاً غیرطبیعی بشدت چشمگیر بود:

اول - تأیید صلاحیت ملا مصطفی پورمحمدی با پرونده فوق سنگین ارتکاب قتل و کشتار اسیران از سوی شورای به اصطلاح نگهبان قانون اساسی؛

دوم - تمرکز حملات توپخانه سنگین تبلیغاتی فقط روی یک نفر از شش نامزد انتخاباتی! به گونه‌ای که مصطفی پورمحمدی به عنوان یکی از عوامل اصلی اسیرکشی‌های سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۷ و یکی از خالقان گلزار خاوران و

دیگر گورستان‌های جمعی، بکلی در سایه ماند، از نظرها پنهان شد تا جایی که حتی جریان‌های مدعی ترقی و عدالت‌خواهی و به طور کلی، قطب‌نما گم‌کردگان نیز از کنار آن بسادگی گذشتند.

به هر حال، صرف‌نظر از صحت و سقم اظهارات و بیانات پنج نامزد انتخاباتی، مصطفی پورمحمدی تنها نامزدی بود که گذشته جنایت‌بار خود را، قتل و کشتار هزاران نفر از فرزندان کشور را با افتخار یادآوری کرد و آن را امری دانست که گویا خدا و امام مورد نظر وی به او محول کرده بود.

برای راقم این سطور هنوز معلوم نیست که خداوند تبارک و تعالی کی و چگونه با او و امام مورد نظرش تماس گرفت، بر چه اساسی بر «کفر» هزاران اسیر دربند صحنه گذاشت و فرمان خود مبنی بر «**فقاتلو ائمة الکفر**» را به آن‌ها ابلاغ کرد! معلوم نیست خدای عزوجل، قادر و توانا، آگاه به همه امور و به همه اعمال و تفکر همه کس، چرا وظیفه خود را به آن‌ها محول کرد؟! چرا خودش مستقیماً وارد عمل نشد؟! آیا دستش کوتاه بود؟! اصلاً، چرا این همه «کفار» را آفرید و سپس قتل آن‌ها را به عهده پورمحمدی‌ها واگذار کرد؟

مصطفی پورمحمدی با ادعای افتخار به گذشته جنایت‌بار خود، در واقع، اوج وقاحت خود را نشان داد و بار دیگر با چنگال خون‌چکان خود بر چهره هزاران خانواده داغدار ایرانی چنگ زد، نمک بر زخم همیشه سوزان آن‌ها پاشید.

طبیعتاً، به آنچه پورمحمدی افتخار می‌کند، منبعث از ماهیت و خصلت ذاتی این خون‌آشام است و مایه تعجب و حیرت هم نیست! در عین حال، تأیید صلاحیت او برای احراز پست ریاست جمهوری کشور از سوی شورای به اصطلاح نگهبان قانون اساسی کشور، به مفهوم تأیید یک جنایتکار حرفه‌ای و حمایت از او برای ادامه جنایت است. اینجاست که اصل «**جرم بی‌جزا، موجب تقویت جنایتکار و تداوم جنایت می‌شود**»، معنا و مفهوم واقعی به خود می‌گیرد.

با این اوصاف، آیا نمی‌توان گفت: شورای نگهبان به اصطلاح قانون اساسی، نه نگهبان قانون اساسی کشور، بلکه، نگهبان و محافظ جانیان حرفه‌ای و طرفدار تداوم جرم و جنایتکاری در کشور است؟! آیا شورای نگهبان به اصطلاح قانون اساسی، مثلاً، آقای جنتی به عنوان یکی از اعضای آن توان تشخیص مصالح و منافع کشور را دارد؟! اگر آری، با کدام درک سیاسی و سابقه مبارزاتی؟!

به هر حال، صرف‌نظر از نتیجه انتخابات ۸ تیر ماه-سرطان-، به نظر می‌رسد به حکم عقل و خرد، به حکم حق و عدالت، نباید اجازه داد جنایات هولناک پورمحمدی‌ها از تاریخ ایران و حافظه تاریخی توده‌های ستمدیده پاک شود. به حرمت اسیران قربانی جنایات نمایندگان خودخوانده خدا، هیچ جانی نباید به فراموشی سپرده شود! تصاویر نکبت‌بار و پرنده جانیان همیشه باید در مقابل چشم باشد!

۴ تیر- سرطان ۱۴۰۳